

ارتقاء کیفیت محیطی در محلات اسکان غیررسمی از منظر کالبدی و

فرهنگی - اجتماعی؛ ضرورت مدیریت شهری

رضا بابایی فرا^۱

^۱- گروه مهندسی عمران راه و ساختمان دانشگاه آزاد اسلامی

Babaei.1385@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۲

چکیده

«سکونتگاه های خودرو» یا آنچه به رایج «اسکان غیر رسمی» نامیده می شود. از مشکلات فراروی شهرهای امروزی خاصه در سطوح محلی بشمار می رود. بر این اساس، نوع، ماهیت و فرآیند مداخلاتی احتمالی و نحوه برخورد با آنها از جمله مفاهیمی است که جایگاهی ویژه در برنامه ریزی و مدیریت هری داشته و دارد. در این بین ارتقاء برنامه ریزی شهری از نگاه صرف کالبدی-کارکردی به نگاهی چندبعدی و چندوجهی در قالب در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی، روانی، کیفی و اقتصادی در تعامل و کنش متقابل با ابعاد کالبدی-کارکردی، یکی از نتایج توجه به مفهوم کیفیت زندگی شهری در عرصه جهانی بوده است حال آنکه امروزه ایجاد برخی محلات غیررسمی در نقاط مختلف شهرها با مشکلات بسیار زیاد، دستیابی به این مهم را برای ساکنین محلات دشوار نموده و موجبات نارضایتی ساکنین را فراهم نموده است. رشد سریع شهرها و توسعه کالبدی آن موجب بروز بحران های مختلف در زندگی شهری نظیر مشکلات و محیطی و نزول کیفیت محیط شده است. در پی این امر لزوم توجه به مفهوم کیفیت و ارتقاء آن در محیط های سکونتی در کنار توجه به مسائل کمی بیشتر احساس می شود. ارتقاء کیفیت محیطی در محلات اسکان غیررسمی از منظر کالبدی و فرهنگی می باشد. نتایج نشان می دهد طی دهه های اخیر به تدریج محلات نابسامان و سکونتگاه های غیررسمی به طور عمده در حاشیه کلان شهرها و شهرهای بزرگ کشور، خارج از برنامه رسمی توسعه شهری و به صورت خودرو شکل گرفته و گسترش یافته است. و می توان گفت مهاجرت و حاشیه نشینی نامتعارف و ناهنجار، ناشی از بحران های توسعه است و منجر به عدم تعادل در ساختارها و شکست آستانه های برون ریزی جمعیتی شده و نبود مدیریت صحیح شهری و در کنار آن عدم وجود برنامه های کوتاه مدت و بلند مدت در زمینه کنترل و توجه به توسعه شهری و مسکن ارزان در این بحران، باعث ایجاد اسکان غیررسمی در شهرهای بزرگ می گردد.

واژه کلیدی: ارتقاء کیفیت محیطی، محلات اسکان غیررسمی، کالبدی و فرهنگی

۱- مقدمه

به طور کلی هر بافت شهری متشکل از دو بخش عمده می باشد ۱- کالبدی (فرم) ۲- کارکرد (نقش). ترکیب کالبد و کارکرد به لحاظ میزان فرسودگی الگوهایی را نشان می دهد. بخش هایی از بافت های شهری که کیفیت های کالبدی و کارکردی آنها کاهش یافته و مختل گردیده است، بافت فرسوده نامیده می شود. فرسودگی بافت و عناصر درونی آن یا به سبب قدمت و یا فقدان برنامه توسعه و نظارت فنی بر شکل گیری آن بافت فرسوده به وجود می آید (Loosum, 1996). فرسودگی بر دو نوع است ۱- فرسودگی کالبدی ۲- فرسودگی عملکردی (بیگ زاده ۱۳۸۹، جعفری، ۱۴۰۰). هرگاه فعالیت ها و کاربری ها پاسخگوی نیازها باشند ولی کالبد آسیب دیده باشد و یا نظام فعالیت ها به هم ریخته، کاربری ها مختل گردد ولی کالبد حفظ شده باشد، فرسودگی نسبی است و اگر هر دو نوع فرسودگی حادث شود، فرسودگی کامل است. کیفیت زندگی در این محلات مفهوم نوینی نیست، مفهوم کیفیت زندگی در حوزه های مختلف دارای معانی متفاوتی است. به عنوان مثال، بسیاری از اقتصاددانان کیفیت زندگی را براساس درآمد می سنجدند، در حالی که نزد جامعه شناسان، این مفهوم نیازهای اساسی، زندگی روبه رشد و رضایت بخش، فقر و محرومیت اجتماعی، انسجام اجتماعی، نوع دوستی و از خود گذشتگی در میان جماعات را در برمی گیرد (Andrews, 2001). بنابراین، کیفیت مفهومی ذهنی و چند بعدی است و آن را می توان ادراک افراد از موقعیت خود در زمینه فرهنگی و ارزشی که در آن زندگی می کند و در ارتباط با اهداف، انتظارات و استانداردهای آنها دانست (Nillson, 2006). نگاه کالبدی- کارکردی برنامه ریزی ها به ابعاد و جنبه های مختلف زندگی در گذشته سبب شد که از اواخر دهه ۱۹۶۰، تحت تأثیر نیازها و آگاهی های جدید مفاهیم اجتماعی نوینی مثل رفاه اجتماعی، کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی در قلمرو برنامه ریزی و توسعه عمومی مطرح شود (مهدیزاده و همکاران، ۱۳۸۵). از طرفی با اعلام شاخص های کیفیت زندگی، وینا، زوریخ و اوکلند بهترین نقاط شهری جهان و سنگاپور، توکیو و کوبه ژاپن بهترین نقاط شهری در آسیا و دبی به عنوان بهترین شهر در خاورمیانه، برای زندگی در سال ۲۰۱۲ معرفی شدند. همچنین بغداد در این رده بندی در رتبه آخر قرار دارد. موسسه منابع انسانی مرسر با استفاده از وضعیت استانداردهای شهرنشینی و کیفیت زندگی جهان براساس شاخص های زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، بهداشتی، امنیتی، آموزش و پرورش، حمل و نقل، مسکن و دیگر خدمات شهری (همچون مراکز تفریحی، سالن های سینما، تئاتر و...) این گزارش را منتشر ساخت (Amerigom 2007).

کشور ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه، از رشد بالایی در رابطه با نسبت جمعیت شهری و همچنین تعداد شهرها برخوردار است، بگونه ای که طبق آمار سال ۱۳۹۰، جمعیت شهرنشین کشور به ۷۱٫۴٪ جمعیت و تعداد نقاط شهری به ۱۳۳۱ نقطه شهری افزایش یافته است و چنین رشدی بیانگر ضرورت توجه بیشتر، به وضعیت زندگی شهرنشینان و بررسی و شناخت مشکلات آنان است (مرصوصی، ۱۳۹۲). کلانشهر تهران با جمعیتی در حدود ۸ میلیون نفر که در طول روز جمعیت آن بالغ بر ۱۱ میلیون نفر می شود، حدود ۱۱ درصد از کل جمعیت کشور را در خود جای داده است (پورا احمد، ۱۳۹۴). ظرفیت سکونت در شهر تهران با توجه به افزایش ساخت و سازهای طبقاتی طی ده سال گذشته ۴۰ درصد افزایش یافته است. قشر بندی اجتماعی جمعیت تهران و مناطق پیرامون آن به

خوبی رانش گروه‌های کم درآمد به حاشیه و تمرکز فقر در پیرامون تهران را نشان می‌دهد. با این فاصله طبقاتی و جدایی اجتماعی، تهران و پیرامون آن نمی‌تواند محیطی متعارف و با منزلت برای اسکان طبقه متوسط تلقی شود و هجوم اقشار متوسط جمعیت برای اسکان در تهران تداوم خواهد داشت (خاتم، ۱۳۹۵) و وظیفه دوست و امینی، (۱۳۸۸). از طرفی، یکی از جنبه‌های حائز اهمیت بررسی در شهرها که هم علت و هم معلول بسیاری از معضلات شهری است بافت فرسوده شهری است (وجود شهر کهن در دل شهر امروزی). ماهیت ویژه بافت فرسوده، هرگونه بی‌توجهی به آن را از جهات مختلف بی‌اعتبار می‌سازد، زیرا هم از لحاظ اقتصادی دارای امکانات بالقوه‌ای اعم از زیرساختی و روساختی است، هم از جهت فرهنگی، خاستگاه شهر امروزی و یادگاری از فرهنگ و تاریخ پیشین است، از جهت اجتماعی چه در صورت متروک شدن و چه تراکم کاربری‌های نامتناسب، بخشی از جامعه و ضامن زندگی انسان‌ها است، از جهت کالبدی نیز با وجود همه فرسودگی هنوز دارای ارزش‌های معماری و شهرسازی بی‌نظیری است، به همین دلیل توجه بسیاری از صاحب نظران به مفهوم کیفیت زندگی شهری معطوف شد تا از این طریق تلاش‌هایی در راستای ارتقای شرایط زندگی و بهبود بخشیدن به بعد کیفی زندگی و در نتیجه مدیریت بحران کالبدی، فرهنگی و اجتماعی در این سکونتگاه‌ها صورت گیرد. اصل بنیادی در تمام پژوهش‌های مربوط به کیفیت زندگی این است که مجموعاً اقدامات و برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های اتخاذ شده در زمینه‌های مختلف چه اثری روی مخاطبان دارد و آنها چگونه با چنین سیاست‌هایی برخورد می‌کنند. از این‌رو مطالعات کیفیت زندگی به سبب توجه به آثار عینی (ستانده‌ها) و ذهنی (دستاوردها) سیاست‌های به اجرا گذاشته شده می‌تواند از اهمیت بسزایی در ارزشیابی سیاست‌های اجتماعی برخوردار باشد. که در صورت عدم توانایی مالی مدیران شهری در ساماندهی اساسی این محلات؛ ارتقاء کیفیت محیطی در محلات اسکان غیررسمی از منظر کالبدی و فرهنگی - اجتماعی این نوع سکونتگاه‌ها را در جهت پیشگیری از بحران جدی دو چندان نموده است.

۲- پیشینه تحقیق

موضوع کیفیت زندگی در محلات اسکان غیررسمی سابقه مطالعاتی عمیق و ریشه‌ای چندانی در ایران ندارد، اما بحث عدالت اجتماعی و به طور اخص مبحث عدالت اجتماعی و نابرابری‌های فضایی در سطح شهرها از موضوعات مرتبط با کیفیت زندگی است که در ایران مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است (حاتمی نژاد، ۱۳۷۹، حسین زاده؛ ۱۳۸۶، لطفی، ۱۳۸۸، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵).

الف) پژوهش‌های خارجی

وزیاک بیالولسکا ۲۰۱۶، در تحقیقی، با عنوان کیفیت زندگی در شهرها، شواهد تجربی در چشم انداز تطبیقی اروپایی، به مطالعه و بررسی کیفیت زندگی ۴۱ هزار نفر از شهروندان در ۷۹ شهر اروپا پرداخته است. این تحقیق اثبات می‌کند که رعایت شهروندی غیرمتقارن می‌باشد؛ زیرا شهروندان از سطح حمل و نقل عمومی، تسهیلات فرهنگی، فضاهای سبز، میزان دسترسی به خرده فروشان ازلی، کیفیت هوا، اثربخشی مدیریت عمومی و قابلیت اعتماد به مدیریت عمومی و به طور کلی، شهروندان، رعایت کمتری از زندگی در شهر خود داشتند.

سراج الدین و همکارانش ۲۰۱۳، در تحقیقی، به بررسی کیفیت زندگی و نیز توسعه پایدار و همچنین شناخت ارتباط آن با مفهوم کیفیت زندگی در شهرهای جهان و به ویژه شهرهای مصر پرداخته‌اند. آنها برای بررسی موضوع

به هفت لایه طبقه بندی شده شامل: محیطی، فیزیکی، تحرکات، اجتماعی، روانشناسی، اقتصادی و سیاسی دست یافتند. سپس این ابعاد، به ۳۰ بخش بنیادی اساسی، تقسیم شده اند که می توانند در ترکیبات متنوعی در دستیابی به کیفیت زندگی بر جوامع به کار گرفته شوند.

تکلائی، ۲۰۱۲، در پژوهشی سازگاری و ناهنجاری در کیفیت زندگی، شاخص ها و سیاست های لازم برای برنامه ریزی شهری در اتیوپی را بررسی کرد. این پژوهش، اندازه گیری کیفیت زندگی با استفاده از شاخص های مسکن، دسترسی به خدمات عمومی، فضای سبز و درآمد خانوار و شناسایی دلایل سازگاری و ناهنجاری در شهر میکله شمال شرق اتیوپی پرداخت است. نتایج، حاکی از نابرابری کیفیت زندگی در تمام شاخص های بیان شده می باشد. مک کارا، و همکارانش ۲۰۰۶، در پژوهشی در جنوب شرق کوئزلند به چگونگی ارتباط قوی بهین شاخص های عینی و ذهنی کیفیت زندگی شهری پرداخت اند. نتایج پژوهش، حاکی از ارتباط ضعیف میان شاخص های عینی و ذهنی است که در هنگام به کارگیری استنتاج ها باید مراقبت شود؛ زیرا بهبودی در کیفیت ذهنی زندگی شهری، اساس بهبود در کیفیت عینی زندگی شهری است.

ب) پژوهش های داخلی

قانعی و همکارانش ۱۳۹۶، در پژوهشی به سنجش کیفیت زندگی در محله قلعه شهر بافق پرداخت اند. پژوهش از لحاظ شیوه انجام، توصیفی-تحلیلی است و از تکنیک *SWOT, QSPM* و نرم افزار *SPSS* برای توصیف، طبقه بندی و تحلیل داده ها استفاده شده است. نتایج، نشان می دهند که کیفیت زندگی در محل قلعه، با امتیاز ۴/۸، کمتر از حد متوسط (۵) است و مؤلف کالبدی با امتیاز ۳/۸، پایین ترین سطح و مؤلفه اجتماعی با امتیاز ۶/۶۶، بالاترین سطح را از لحاظ کیفی دارند.

فیروزجاییان و دهقان حداد ۱۳۹۴، در تحقیقی ارتباط و تأثیر کیفیت زندگی عینی بر کیفیت زندگی ذهنی در شهر آمل، بر پایه هفت شاخص امکانات و خدمات رفاهی، سلامت جسمانی، فعالیت های مدنی، روابط اجتماعی، رعایت از محی فیزیکی، رعایت از محیط اقتصادی و رعایت از محیط اجتماعی را بررسی کرده اند. یافته های تحقیق نیز نشان داده اند که تمام فرضیات تحقیق به غیر از یک فرضیه که ارتباط سن با کیفیت زندگی ذهنی را می سنجد با سطح اطمینان ۹۹ درصد، تأیید شدند.

نجفی و همکارانش ۱۳۹۴، در پژوهشی با عنوان ارزیابی کیفیت زندگی در سکونتگاه های غیررسمی شهرها موردشناسی: محل اسلام آباد شهر زنجان انجام دادند. به منظور ارزیابی کیفیت زندگی از هر دو بعد عینی و ذهنی؛ شامل چهار شاخص اصلی اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی و کالبدی و ۲۳ مؤلفه استفاده شده است. نتایج بیانگه هر آن هستند که:

۱- محله اسلام آباد، در وضعیت نامطلوبی از نظر شاخص های کیفیت زندگی قرار گرفت و این اختلاف در شاخص های اقتصادی و کالبدی، چشمگیر است. ۲- رابطه متقابل و معناداری میان شاخص ها در محله وجود دارد. ۳- دیدگاه ذهنی شهروندان تحت شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی تغییر کرده است.

بندرآباد احمدی نژاد ۱۳۹۳، در مطالعه ای به ارزیابی شاخص های کیفیت زندگی در منطقه ۲۲ تهران پرداخت اند. نتایج حاصل، نشانگر برخورداری مناسب در مسکن (۰/۸۶) و برخورداری نامناسب کالبدی (۰/۳۵) از لحاظ

ابعاد عینی و مناسب بودن وضعیت مسکن (۰/۵۸) و محیط زیست (۰/۶۷) نسبت به وضعیت اقتصادی (۰/۴۴) و اجتماعی (۰/۴۶) از لحاظ ابعاد ذهنی است. همچنین بررسی آزمون های آماری، همبستگی بین ابعاد ذهنی و عینی را با امتیاز (۰/۲۸) نشان نمی دهد.

نتایج پیشینه پژوهش نشان می دهد که کیفیت زندگی متکی بر عوامل مکانی است و در هر یک از محدوده های مورد بررسی، نتایج ارائه شده در شاخص های مختلف، متفاوت است. محدوده این پژوهش نیز به لحاظ ساختاری از وضعیت یکسانی برخوردار نیست؛ لذا سنجش وضعیت کیفیت زندگی در این محدوده نیز از لحاظ کاربردی و برنامه ریزی حائز اهمیت است.

جدول (۱): مختصری از پیشینه تحقیق کیفیت زندگی در کشور

ردیف	عنوان مطالعه	محور اصلی
۱	کیفیت زندگی مردم شهر تهران بر اساس پرسش نامه - <i>WHOQOL-BREF</i>	سلامت
۲	بررسی رابطه مذهب و احساس ذهنی بهزیستی	ابعاد اجتماعی - فرهنگی
۳	مدل ارزیابی کیفیت محیط زیست شهری	محیط انسان ساخت و طبیعی
۴	ارزیابی کیفیت محیط زیست شهر تهران	محیط انسان ساخت و طبیعی
۵	عدالت اجتماعی و شهر (نمونه: گنبد قابوس)	عدالت (ابعاد اجتماعی - فرهنگی)
۶	شناخت و ارزیابی کیفیت محیط شهری در بافت میانی شهرها، مطالعه موردی شهر شیراز	محیط انسان ساخت و طبیعی
۷	پایش شهر و شهرداری تهران	عملکرد شهرداری
۸	بررسی ناپایداری های امنیتی کلان شهر تهران بر اساس شاخص های توسعه پایدار	ابعاد اجتماعی - فرهنگی
۹	بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان تهرانی	ابعاد اجتماعی - فرهنگی
۱۰	پروژه سنجش عدالت در شهر تهران	عدالت در برخورداری از خدمات

منبع: مرکز مطالعات شهرداری تهران (۱۳۹۱)

۳- مبانی نظری

مفاهیم مرتبط با سنجش کیفیت زندگی

کیفیت زندگی واژه ای است چند بعدی و چند مفهومی که از دهه ۱۹۶۰ وارد مباحث جغرافیا، مخصوصاً جغرافیای انسانی گردیده و امروزه هدف اصلی برنامه ریزی شهری؛ ارتقاء سطح کیفیت زندگی ساکنین شهر می باشد کیفیت زندگی از شاخص ها و زیر شاخص هایی تشکیل می شود که فرض ممکن بر این است که در هر مکان به یک میزان اهمیت و اولویت نداشته باشند مخصوصاً در دو نوع بافت فرسوده و جدید. برخی کیفیت زندگی به عنوان قابلیت زیست پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به عنوان سنجش برای میزان جذابیت و برخی به عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایتمندی و.. تفسیر کرده اند (Epley and Menon, 2008). کیفیت زندگی یک فرد به حقایق عینی و خارجی زندگی اش و دریافت ها و ادراکات درونی و ذهنی او از این عوامل و نیز از خودش وابسته است (حیب پور، ۱۳۸۸). کیفیت زندگی مفهومی نو است که از اواخر قرن بیستم مورد توجه محققان رشته های علمی قرار گرفته است. به طوری که اولین اثر در این حیطه، از آگبرون (۱۹۶۶) است که در حیطه حیات روستایی در ایالات متحده نوشته است. به طور کلی توجه به کیفیت زندگی به عنوان یک زمینه کلیدی برای تحقیق در جغرافیای اجتماعی شهری پدیدار شده است و همزمان با جغرافیای اجتماعی شهری، تلاش های قابل توجهی در راستای سنجش کیفیت محیط های شهری انجام گرفته است (Pacione, 2003). بنابراین حیطه مربوط به کیفیت زندگی و روش های سنجش آن در هیچ زمانی به اندازه امروز گسترده نبوده است. امروزه اقتصاددانان، دانشمندان علوم اجتماعی و دولت مردان هر کدام از دیدگاه خاصی به این مقوله نگاه می کنند. لذت از زندگی یک مفهوم ذهنی است که از طریق مفاهیمی چون رفاه ذهنی، رضایتمندی از زندگی و شادی مطرح می گردد. البته باید توجه داشته باشیم که مفهوم رضایتمندی از زندگی یک مفهوم قابل تعریف و معلول یک تجربه درک شده است در حالی که واژه شادی را فقط می توانیم به عنوان یک حالت از رفتار انسان در نظر بگیریم. از طرفی باید توجه داشت که واژه رضایتمندی مفهومی محتمل و واقعی تری برای سیاست و تصمیم گیری است (Berger-SchmidtR, 2002). مطالعات مقایسه ای در باب میزان شادی از زندگی در دهه ۱۹۶۰م توسط مرکز مطالعات جهانی کانتربیل ۲ در باب الگوهای نگرانی انسان مطرح شد اما استانداردهایی که برای سنجش رضایتمندی و شادی افراد به کار می رود با کاربرد امتیازاتی از ناراضی تا راضی مورد استفاده قرار می گیرد (Balsas, 2007). بسیاری از افراد به چیزهایی که نمی توانند داشته باشند تمایل دارند پس به دلایل اقتصادی و یا دیگر دلایل، آنها باید محلی را که تمایل کمتری دارند برگزینند. وقتی آنچه را که تمایل داریم می توانیم انتخاب کنیم، رضایت مان جلب می شود (گیفورد، ۱۳۸۸). با توجه به تعاریف بالا می توان ابراز داشت که تمامی آنها دلالت بر این دارد که ابعاد ذهنی، از زمینه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی تاثیر می پذیرد. پس نمی توان بدون در نظر گرفتن تمامی شاخص های مهم به بررسی کیفیت زندگی شهری پرداخت.

استاندارد زندگی: استاندارد زندگی، معیاری برای سنجش رفاه اقتصادی است. مقصود از آن قابلیت دسترسی به کالاها و خدمات کمیاب و پایه است و معمولاً بر حسب درآمد سرانه یا مصرف سرانه محاسبه می شود. در یک نگاه کلی، بهبود در استاندارد زندگی نتیجه بهبود عوامل اقتصادی مانند بهره وری، سرانه رشد اقتصادی واقعی، توزیع درآمد، دسترسی به خدمات عمومی و عوامل غیراقتصادی مانند شرایط کاری ایمن، محیط زیست پاک و میزان جرم و جنایت

پائین است. در سنجش استاندارد زندگی، ریچارد اشتکل از کاربرد دو سنجه دیگر در حوزه سلامت و برای سنجش استاندارد زندگی بحث به میان می‌آورد که در تاریخ مطالعات اقتصادی صورت گرفته است: این دو سنجه عبارتند از امید به زندگی در حین تولد (یا میانگین طول عمر) و میانگین قد که شرایط تغذیه را در طول سال‌های رشد اندازه‌گیری می‌کند (philips, 2006).

زیست‌پذیری / شهر زیست‌پذیر: زیست‌پذیری به معنی توانایی شهر یا ناحیه شهری بر حفظ و بهبود ظرفیت زیست و سرزندگی است (Balsas, 2007). چه چیزی شهری را به مکانی زیست‌پذیر بدل می‌کند؟ این پرسشی است که پاسخ آن بسیار دشوار است. پیشتر کوین لینچ تلاش کرده است به آن پاسخ دهد: چه چیزی شهری را به یک "شهر خوب" بدل می‌کند؟ همان‌گونه که از واضح معیارهای زیست‌پذیری برمی‌آید، این موضوع بیشتر در حوزه خاص رشته "برنامه‌ریزی و طراحی شهری" قرار می‌گیرد. لینچ این پرسش را با تعریف پنج بعد عملکردی و تحقق آنها امکان‌پذیر می‌داند. سرزندگی، معنی، تناسب، دسترسی و کنترل. لینچ پنج معیار عملکردی خود را این‌گونه تعریف کرده است (لینچ، ۱۳۷۶):

الف) سرزندگی: این که شهر تا چه اندازه حامی عملکردهای حیاتی، نیازهای بیولوژیکی و توانایی‌های انسانی بوده و از همه مهم‌تر، چگونه بقاء همه موجودات را ممکن می‌سازد.

ب) معنی: این که شهر تا چه اندازه می‌تواند به وضوح درک شود، از نظر ذهنی قابل شناسایی باشد و ساکنان شهر، آن را در زمان و مکان به تجسم درآورند و تا چه اندازه آن ساختار ذهنی با ارزش‌ها و مفاهیم جامعه در ارتباط است. ج) تناسب: این که شکل و ظرفیت فضاها، معابر و تجهیزات یک شهر تا چه اندازه با مقیاس انسان و با الگوی فعالیت‌هایی که مردم از روی عادت به آن اشتغال دارند و یا خواهند داشت، منطبق است.

د) دسترسی: توانایی دسترسی به سایر اهداف، فعالیت‌ها، منابع، خدمات، اطلاعات و یا مکان‌ها شامل کمیت و تنوع عناصر که می‌توان به آنها دسترسی پیدا کرد.

ه) کنترل: این که استفاده از فضاها و دسترسی به آنها، ایجاد، تعمیر، اصلاح و مدیریت آنها تا چه اندازه توسط کسانی که از آن استفاده می‌کنند صورت می‌گیرد.

کیفیت مکان: مفهوم کیفیت مکان، نزدیکی زیادی با مفهیمی مانند زیست‌پذیری و پایداری دارد. این مفهوم از جمله اهداف عملیاتی شناخته شده در حوزه برنامه‌ریزی شهری محسوب می‌شود که در آن ابعاد توسعه اقتصادی، حفاظت زیست محیطی و برابری اجتماعی ترکیب می‌شوند. رشته‌هایی مانند بهداشت / سلامت عمومی، روان‌شناسی، اقتصاد و جامعه‌شناسی ابزارها و روش‌هایی برای مطالعه کیفیت زندگی فردی یا گروهی تدبیر کرده‌اند. در مقابل، بسیاری از برنامه‌ریزان شهری و جغرافی‌دانان، همان‌گونه که در مورد زیست‌پذیری نیز عنوان شد، در تحلیل کیفیت مکان به تخصص دست یافته‌اند. از دید برنامه‌ریزان، کیفیت مکان تا حد زیادی به طور مستقیم در ارتباط با ویژگی‌های بنیادی کیفیت زندگی است و بازیگران محلی، نقش عمده‌ای در ارتقاء کیفیت مکان بازی می‌کنند (Andrews, 2001).

شاخص‌های کیفیت زندگی: شاخص‌های معرف کیفیت زندگی طیف وسیعی را در بر می‌گیرند که از انواع نیازهای بشر همچون انواع تغذیه و پوشاک گرفته تا مراقبت‌های بهداشتی، محیط اجتماعی، محیط مادی، محیط زیستی و حتی

ابعاد روحی زندگی انسانی را شامل می‌شود. در واقع مفهوم کیفیت زندگی به شرایط محیطی که مردم در آن زندگی می‌کنند و به خصوصیات خود افراد اشاره دارد (Murphy, 2004). باید توجه داشته باشیم که در تحقیقت مرتبط با کیفیت زندگی شاخص‌های عینی و ذهنی به عنوان دو مفهوم متفاوت از یکدیگر بکار می‌روند (Shin et al, 2003). در مطالعات کیفیت زندگی دو رویکرد عینی و ذهنی وجود دارد (Lee, 2008). این دو غالباً بصورت مجزا و به ندرت در ترکیب با هم برای سنجش کیفیت زندگی مورد استفاده قرار می‌گیرند زیرا گسترده‌ترین تمایز در بررسی کیفیت زندگی، تمایز میان کیفیت عینی و ذهنی زندگی است. بنابراین محققان در غالب دو دسته شاخص به مطالعه کیفیت زندگی می‌پردازند: عواملی که به بررسی شاخص‌های عینی مثل مسکن و خصوصیات اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و... می‌پردازند. عواملی که شاخص ذهنی مثل رضایتمندی و انگیزه و.. را مطالعه می‌کند. اما این دو دسته شاخص در مطالعات کیفیت زندگی مکمل یکدیگرند و باید در ارتباط با یکدیگر به کار روند (Amerigo et al, 2007).



جدول (۲): شاخص‌های مورد استفاده در رابطه با کیفیت زندگی

شاخص‌های مورد استفاده	محقق یا مورد مطالعه
خدمات شهری، رضایتمندی از روابط همسایگی، محیط اجتماعی، وابستگی‌های محلی، محیط مسکونی	Lee (۲۰۰۸)
فضاهای سبز و فضاهای باز، امنیت و روابط اجتماعی، حمل و نقل و خدمات تجاری، احساس استرس و فشار، و آلودگی محیطی.	Lee, (2008 & Tu
مسکن، سلامتی، قدرت خرید، فعالیت‌های تفریحی، مشارکت اجتماعی، فعالیت ورزشی، تعطیلات	Ruut et al, (۲۰۰۷)
جنبه‌های فضایی، اشتغال، اقتصاد، منابع و محیط، بهداشت، امید به زندگی، امنیت، مهاجرت، آموزش	McCrea et al (۲۰۰۶)
دسترسی و جاده‌ها، فضاهای سبز، مردم و روابط اجتماعی‌شان، خدمات رفاهی و تجاری، خدمات اوقات فراغت و سلامت محیطی.	Megone et al (۲۰۰۶)
فرصت‌های پیشرفت فردی، برابری اجتماعی، شرایط زندگی جامعه، حمل و نقل، ارتباطات	Shin, 2003
سبک زندگی، خصوصیات فردی، سلامت، دسترسی به خدمات، منابع طبیعی، محیط طبیعی، امنیت، اجتماع، فرهنگ	Kample et al, (۲۰۰۳)

منبع: نگارنده

۴- ارزیابی توانمند سازی اجتماعی- فرهنگی این مناطق با تکنیک *SWOT* با رویکرد مشارکتی در بررسی‌های جامع محیط درونی و بیرونی این مناطق که عمدتاً به صورت مشاهدات میدانی، مصاحبه با مردم، أخذ نظر کارشناسان صورت گرفته و نقاط ضعف و قوت و فرصتها و تهدیدات در زمینه توانمند سازی این محلات بر پایه الگوی سوات صورت برداری شده است و به دو بخش عوامل درونی شامل نقاط ضعف و قوت و عوامل بیرونی شامل تهدیدات و فرصتها به صورت جدول زیر ارائه شده است:

جدول (۳): تحلیل اجتماعی- فرهنگی این مناطق بر پایه الگوی *SWOT* با رویکرد مشارکتی

ارتباط مشارکتی	ویژگی محلات		
- هزینه کمتر ساماندهی و توانمند سازی	- دوام نسبی ساختمانها و وجود زیرساختهای اساسی	۳ ۴	۳ ۴



<ul style="list-style-type: none"> - امکان بهره گیری از پتانسیل نیروی کار - ارتقاء سرمایه اجتماعی و اقتصادی - بهره گیری از توانمندی های زنان - طراحی و برنامه ریزی کالبدی مناسب - استفاده از ایده اقتصاد خانگی 	<ul style="list-style-type: none"> - وجود حس مشارکت جمعی براساس مشاهدات میدانی - وجود حس اعتماد در بین همسایگان براساس نظر سنجی - سازماندهی سنتی نیروی شاغل غیررسمی - وجود شیب های طبیعی مناسب در ناحیه برای هدایت آبهای سطحی - نیروی اقتصادی جمعی و خانوادگی 		
<ul style="list-style-type: none"> - فقر و درآمد کم، وقوع اختلاف همسایگی - ناتوانی در پرداخت وام های دولتی - رشد بی رویه جمعیت و مهاجرت - بی سوادی، کم سوادی در این محلات - دست فروشی و شغل های کاذب 	<ul style="list-style-type: none"> - تراکم زیاد نفر در خانوار در واحد مسکونی - پایین بودن مساحت قطعات مسکونی - عدم مالکیت قانونی و رسمی واحدهای مسکونی - نرخ بالای رشد جمعیت و باروری زنان - عدم مهارت و تخصص نیروی شاغل محله - ضعف بنیان اقتصادی خانوارها 	<p>نقاط ضعف (W)</p>	

<p>- امکان حل و فصل مشکلات حقوقی</p> <p>- ارتقاء سطح فرهنگی این مناطق</p> <p>- شکل گیری روحیه مشارکت</p> <p>- ارتقاء سطح بهداشت عمومی</p> <p>- امکان به رسمیت شناختن</p>	<p>- تمایل نهادهای مدیریت شهری به ساماندهی محله</p> <p>- توجه دولت به موضوع ساماندهی اسکان غیررسمی</p> <p>- وجود کتابخانه های عمومی</p> <p>- امکان تشکیل تعاون های کوچک مقیاس محلی</p> <p>- حمایت دولت از تشکیل صندوق های خرده وام محلی</p>	<p>فرصتها (O)</p>	
<p>- افزایش مشکلات ساماندهی</p> <p>- عدم امنیت ساکنان در مکانهای عمومی</p> <p>- شکل گیری خلوتگاه و زمینه بزهکاری</p> <p>- وجود شغل کاذب و بزهکاری اجتماعی</p> <p>- نا امنی اجتماعی - فرهنگی</p> <p>- هزینه های بالای طراحی کالبدی</p> <p>- شیوع بیماریهای عفونی، زیست محیطی</p>	<p>- برنامه ریزی و طراحی نامناسب فضاهای باز</p> <p>- توده واحدهای مسکونی بدون رعایت اصول فنی</p> <p>- درگیری های قومی و قبیله ای</p> <p>- کمبود دسترسی جوانان به مکانهای مناسب</p> <p>گذران اوقات فراغت</p> <p>- نرخ بالای بیکاری و بالا بودن مهاجرت از دیگر استان ها</p> <p>- زمینه افزایش جرایم اجتماعی به دلیل شغل های کاذب</p> <p>- همجواری کاربری های ناسازگار و بهداشت نامناسب محیط</p>	<p>تهدیدات (T)</p>	<p>عوامل بیرونی</p>

مأخذ: نگارنده

برای دستیابی به برنامه ریزی جهت ارتقاء کیفیت محلات شهری با رویکرد پایداری اجتماعی- فرهنگی در این مناطق متغیرهایی را از طریق بررسی های کتابخانه ای و اسنادی بدست آورده شد؛ و هریک از متغیرها به وسیله زیر متغیرهایی سنجیده شد. که متغیرها و زیرمتغیرهای پژوهش به قرار ذیل می باشد:

- **بالا بردن اعتماد مردم:** یکی از عوامل مؤثر در افزایش مشارکت های شهروندان و برنامه ریزی جهت ارتقاء کیفیت اجتماعی- فرهنگی در این منطقه، بالا بردن اعتماد مردم نسبت به مسئولان و مدیران شهرداری و خود نهاد شهرداری می باشد که در پرسشنامه طرح شده برای سنجش آن از دو زیر متغیر ذیل در طیف های کم تا زیاد به قرار ذیل استفاده شده است:

جدول(۴): زیر متغیرهای متغیر افزایش اعتماد مردم

متغیر	زیر متغیر	زیاد	کم	متوسط
بالا بردن اعتماد مردم	رفع احساس ناتوانی و غیر مؤثر بودن ساکنین محله در برابر شهرداری	*		
	نقش مدیر محله در افزایش اعتماد اجتماعی ساکنین محله			*

مأخذ: (نگارنده)

- ارتقاء احترام و پاسخگویی مدیران شهری نسبت به ساکنین محلات: از عوامل مؤثر دیگری که مدیران محلات می تواند به وسیله کمک به ارتقاء آن در افزایش مشارکت های اجتماعی- فرهنگی شهروندی جهت ارتقاء کیفیت زندگی در محلات شهری، مؤثر عمل نمایند ارتقاء احترام و پاسخگویی مدیران شهری نسبت به ساکنین محلات می باشد که در این پژوهش به عنوان یکی از متغیرها در نظر گرفته شده است که زیر متغیرهای بررسی شده آن در این مناطق به ترتیب جدول ذیل می باشد:

جدول (۵): زیر متغیرهای متغیر ارتقاء احترام و پاسخگویی مدیران شهری نسبت به ساکنین این محلات

متوسط	کم	زیاد	زیر متغیر	متغیر
		*	ارتقای پاسخگویی مدیران شهری در محله	ارتقاء احترام و پاسخگویی مدیران شهری نسبت به ساکنین محلات این مناطق
	*		تقویت باور «تنها آنها حق مدیریت و برنامه ریزی ندارند»	
*			بالا بردن توجه مدیران شهری به مشکلات و امور محله	
		*	اصلاح نگرش منفی ساکنان به شهرداری	
*			بالا بردن تعهد مدیران شهری در رسیدگی به محله	
		*	بالا بردن احترام و پاسخگویی سریع به نظرات خواسته ها ساکنین محله	
*			در رفع وحشت ساکنین محله در ابراز مخالفت و بیزاری در برابر شهرداری	

مأخذ: (نگارنده)

- تقویت کانال های ارتباطی با مدیران شهری: برای سنجش این متغیر در افزایش مشارکت شهروندان در راستای بالا بردن از سه زیر متغیر به ترتیب جدول زیر استفاده شده است:

جدول (۶): زیر متغیرهای متغیر تقویت کانال های ارتباطی

متوسط	کم	زیاد	زیر متغیر	متغیر
*			تقویت امکانات و کانال های ارتباطی با مدیران شهری	تقویت کانال های ارتباطی با مدیران شهری
	*		انتقال درست پیام، خواسته ها و نیازهای ساکنین محله	
		*	انتقال درست و صحیح برنامه ها و طرح های شهرداری به ساکنین محله در راستای ارتقاء کیفیت محلات شهری	

مأخذ: (نگارنده)

- دستیابی به اهداف طرح ها و ارتقاء کمی و کیفی پروژه های شهری: از متغیرهای بسیار مهمی که مدیران مناطق و محلات و مشارکت شهروندان می توانند مدیران شهری را کمک نمایند عبارت است از دستیابی به اهداف طرح ها و ارتقاء کمی و کیفی پروژه های شهری می باشد. که باعث رونق اجتماعی- فرهنگی شده و در نتیجه به ارتقاء اجتماعی و کیفیت زندگی در محلات منجر خواهد شد که متغیرهای آن به ترتیب جدول ذیل می باشد:

جدول (۷): زیر متغیرهای دستیابی به اهداف طرح ها و ارتقاء کمی و کیفی پروژه های شهری

متوسط	کم	زیاد	زیر متغیر	متغیر
		*	افزایش آگاهی ساکنان محله از تدابیر و سیاست های مدیران شهری در بالا بردن کیفیت زندگی و ...	دستیابی به اهداف طرح ها و ارتقاء کمی و کیفی پروژه های شهری
	*		ارتقاء کمی و کیفی طرح ها و پروژه های سطح محله	
*			بالا بردن میزان پذیرش طرح و برنامه توسط ساکنین محله	
		*	افزایش احساس مالکیت بر اموال عمومی	
*			شناخت بهتر توان ها و تنگناهای محله توسط مدیران شهری	
		*	کمک به حل مسائل و مشکلات محله و ساکنین آن	

- تشویق به مشارکت: عامل مؤثر دیگر همان طوری که اشاره شد، ساکنین این محلات در صورتی به مشارکت روی خواهند آورد که مشارکت برای آنها سودآور باشد. برای این منظور مدیر محله می تواند با اقداماتی مشوق ساکنان در این امر باشد. لذا عامل تشویق به مشارکت به عنوان یکی دیگر از متغیرهای بالا بردن و ارتقاء اجتماعی- فرهنگی و کیفیت زندگی در این پژوهش انتخاب شده است. که زیر متغیرهای مورد استفاده برای سنجش آن در جداول فوق گنجانده شده است.

۵- نتیجه گیری و پیشنهاد

امروزه؛ ابعاد اجتماعی فضای شهری بیش از هر زمان مورد توجه برنامه ریزان قرار داشته و یافتن ارتباط بین کیفیت های فضایی و مفاهیم اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. در این بین پراکنش افقی یا

همان رشد و گسترش کالبدی سریع شهرها در فضای پیرامون، پدیده ای است که امروزه بسیاری از شهرهای ایران آن را تجربه می کنند. مولفه ها و علل مختلفی در بروز این پدیده تاثیر دارند. در سال های اخیر، نظریات نوین در توانمندسازی، بر نقش راهکارهای خودجوش اسکان غیررسمی، محلات بافت فرسوده و حاشیه نشینان، معطوف شده است. یکی از راهکارهای عملی که ساکنین سکونتگاه های غیررسمی برای برون رفت از مشکلات حاشیه نشینی در پیش گرفته اند، روی آوردن به اقتصاد غیررسمی و مشاغل خودجوش است. پیامد رشد سریع شهرنشینی و رشد سکونتگاه های غیررسمی با مسایل و مشکلات متعدد از جمله رشد ناپایدار محلات شهری همراه است. امروزه ناپایداری برخی از محلات به عنوان یکی موانع عمده پیش روی توسعه شهری مطرح می شود که این ناپایداری در محلات اسکان غیررسمی تشدید می شود. و مهمترین دلیل آن مهاجرت بی رویه می باشد. مهاجرت و حاشیه نشینی نامتعارف و ناهنجار، ناشی از بحران های توسعه است و منجر به عدم تعادل در ساختارها و شکست آستانه های برون ریزی جمعیتی شده و نبود مدیریت صحیح شهری و در کنار آن عدم وجود برنامه های کوتاه مدت و بلند مدت در زمینه کنترل و توجه به توسعه شهری و مسکن ارزان در این بحران، باعث ایجاد اسکان غیررسمی در شهرهای بزرگ می گردد. در انتها می توان چنین نتیجه گرفت که تحولات شهرنشینی در دهه های اخیر با تغییرات عمده در بافت های شهری همراه بوده است. راهکارهای متناسب برای بهسازی، ساماندهی و رفع معضلات محلات اسکان غیررسمی در محلات حاشیه نشین و بافت های فرسوده بسته به نوع مسئله، وسعت و شدت آن متفاوت است. از این رو بایستی برای ارائه راهکارها مناسب به بررسی مسئله و شناسایی ابعاد، وسعت و شدت آن پرداخته و علاوه بر آن زمینه های اولیه و علل شکل گیری بافت های فرسوده و نحوه ارتباط کالبدی و اجتماعی آن با بخش های مجاور را مورد تدقیق قرار داد. شرایط و ویژگی های کلی شهر، سیاست های کلان موجود و امکانات خاص، هریک می توانند در انتخاب راهبردهای مواجهه با بافت های فرسوده موثر واقع شود. در برنامه ریزی و تعریف استراتژی کلان برای مدیریت بحران در بافت های فرسوده شهری به دو موضوع الزامات مدیریت بحران شامل سازماندهی، برنامه ریزی، استفاده بهینه از منابع، مهارت های تخصصی و نیازهای آموزشی و کسب آمادگی و همچنین اجزاء سیستم مدیریت بحران شامل آمادگی، پیشگیری، کاهش اثرات، مقابله (امداد و نجات) و بازتوانی بازسازی می بایست توجه شود که کاربست آن می تواند مبنای تعریف راهکارهای میان مدت در زمینه مدیریت بحران در بافت های فرسوده باشد: هدف از طرح این موضوع ارائه یک طرح کلی از نیازهای عمده و اساسی در راستای مقابله با بحران و در نتیجه ساماندهی اجتماعی و فرهنگی می باشد که سیستم مدیریت بحران باید خود را به آنها تجهیز نماید تا بتوان سیستمی کارآمد برای مقابله با حوادث احتمالی در این محلات و نامقاوم شهری ایجاد نمود. بافت های فرسوده شهری و سکونتگاه های حاشیه ای، غیر رسمی و استاندارد در کشورهای در حال توسعه، بنا به دلایلی از قبیل عدم رعایت معیارهای فنی و مهندسی در ساخت بنا، شبکه ارتباطی ناکارآمد، عدم وجود تاسیسات و تجهیزات شهری، بیش تر از سایر بافت های شهری در معرض خطر زلزله قرار دارند. در این پژوهش با توجه به یافته های تحلیل، تهیه و اجرای طرح ساماندهی این محلات از دیدگاه های اجتماعی -

فرهنگی و کالبدی در زمینه تغییر و تحول مؤلفه های توسعه پایدار (بالا بردن کیفیت زندگی) با رویکرد مدیریت بحران را فراهم نموده است. در بین مؤلفه ها، مؤلفه های رفاه اجتماعی و مشارکت ذینفعان از تغییر و تحول بیشتری برخوردار شده اند. مروری بر اهداف و اقدامات اجرایی طرح بهسازی بافت این محلات نشان می دهد که این طرح اساساً با جهت گیری مدیریت بحران تهیه می شوند. این جهت گیری، سبب شده تا در بین مؤلفه ها، آنهایی که ارتباط بیشتری با این جهت گیری داشتند، تحول بیشتری یافته اند. در انتها با توجه به یافته های پژوهش پیشنهادات ذیل ارائه می گردد:

پیشنهادات در مقیاس کلان:

- انجام مطالعات مربوط به پهنه بندی آسیب پذیری مسکن شهری برای انجام اموری همچون مدیریت بحران - ایجاد بانک های اطلاعاتی جامع و مدون از تمام جزئیات و عناصر شهری بر پایه سیستم های اطلاعات جغرافیایی از سوی سازمان متولی در سطح ملی، منطقه ای و کشوری، چنین بانک هایی می تواند برای اهداف گوناگون مدیریت شهری و از جمله تحلیل آسیب پذیری آن شهرها در برابر زلزله و شناسایی و پیشگیری از آسیب اجتماعی - فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد.

پیشنهادات در مقیاس خرد محله:

- ارتقای جایگاه و کیفیت محیط محله در همجواری با محله های دارای بازار از طریق هدایت مداخله ها در دو سطح بیرونی (لبه های شهری) و سطح درونی (ساختار مسکونی).
- ایجاد ورودی ها و دروازه های شاخص سواره و پیاده از خیابان های اصلی پیرامونی به درون محله ساماندهی محیطی گذرهای فرعی محله در همپیوندی با فضاهای عمومی، به منظور افزایش نفوذپذیری بافت مسکونی - تعیین گستره های مناسب برای تجمیع قطعات ملکی فرسوده، به منظور ساخت مجموعه های مسکونی مشارکتی و ارائه الگوی مطلوب سکونت، از طریق مشارکت بخش عمومی (ارائه تسهیلات)، بخش خصوصی (سرمایه گذاری و احداث) و جامعه محله (با آورده املاک شخصی) با رویکرد مدیریت بحران.

منابع

۱. احمدپور، احمد، زارعی، جواد، ۱۳۹۴، سنجش کیفیت زندگی در قلمرو بافت فرسوده شهری مطالعه موردی منطقه ۹ تهران، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال ششم، شماره ۲۱
۲. ابراهیم زاده، عیسی و همکاران، ۱۳۹۰، تحلیلی بر ساماندهی مداخله در بافت فرسوده شهری، فصلنامه پژوهش های جغرافیایی انسانی، شماره ۸۱، ص ۲۳۴.
۳. بندرآباد، علیرضا؛ احمدی نژاد، فرشته (۱۳۹۳)، ارزیابی شاخص های کیفیت زندگی با تأکید بر اصول شهر زیست پذیر در منطقه ۲۲ تهران، نشریه پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۵(۱۶)، ۷۴-۵۵.

۴. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۹۵) گزارش تهیه طرح بهسازی بافت باارزش روستایی، معاونت عمران روستایی، دفتر امور فنی و تهیه طرح ها؛
۵. بیگ زاده، ح (۱۳۸۹) مداخله در بافت های روستایی چرا و چگونه؟ اولین کنفرانس بین المللی سکونتگاه های روستایی: مسکن و بافت، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی؛
۶. جعفری، محمد، ۱۴۰۰، بررسی چرایی فقدان شهر و فقدان نظریه پایه تعریف شهر در ایران، مجله جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۴، شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۳ تابستان ۱۴۰۰، صفحه ۹۹
۷. جام کسری، م (۱۳۸۹) بهسازی بافت های باارزش روستایی، فرایندی از ذهنیت تا عینیت، فصلنامه علمی پژوهشی مسکن و محیط روستا، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شماره ۱۳۱، پاییز ۱۳۸۹؛
۸. شماعتی، ع و پور احمد (۱۳۸۴) بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران؛
۹. حبیب پور، کرم و صفری، رضا (۱۳۸۸)، راهنمای جامع کاربرد *SPSS* در تحقیقات پیمایشی، تهران، انتشارات لویه، متفکران.
۱۰. حسین زاده، داوود؛ میرزایی، سبینا (۱۳۸۶)، کیفیت زندگی کاری و تأثیر آن بر بهره‌وری، ۲۰-۱۷، فصلنامه مدیریت، سال هجدهم، شماره ۱۲۳.
۱۱. حاتمی نژاد، حسین، عدالت اجتماعی و شهر: ناهمگونی فضایی محلات شهر مشهد، پایان نامه دوره دکتری جغرافیا گرایش برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹.
۱۲. حسین زاده، نعمت، استعلاجی، علیرضا، ۱۳۹۵، راهبردهای مدیریت بحران در سکونتگاه های غیر رسمی اسلامشهر با تأکید بر توانمند سازی، دوره ۷، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۵، صفحه ۸۵-۱۰۱.
۱۳. خاتم، اعظم، (۱۳۹۵)، سنجش ظرفیت جمع پذیری و کیفیت زندگی در تهران، مطالعات فرادست طرح جامع تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، حوزه معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی.
۱۴. فیروزجاییان، علی اصغر؛ دهقان حداد، محسن، ۱۳۹۴، ارتباط و و تأثیر کیفیت زندگی عینی بر کیفیت زندگی ذهنی، (مطالعه موردی؛ شهر آمل، استان مازندران)، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی ۳(۴)، ۱۵۷.
۱۵. قانع، محبوب؛ اسماعیل پور، نجما؛ سرایی، محمدحسین، ۱۳۹۶، سنجش کیفیت زندگی در محلات شهری در راستای ارتقای کیفیت زندگی (مطالعه موردی: قلعه شهر بافق)، نشریه پژوهش و برنامه ریزی ۸(۲۸)، ۲۱.
۱۶. کلانتری، حسین؛ پوراحمد، احمد (۱۳۹۵)؛ فنون و تجارب برنامه ریزی مرمت بافت تاریخی شهرها، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، چ دوم، تهران.

۱۷. گیفورد، رابرت، ۱۳۸۸، روان شناسی محیط های مسکونی، ترجمه وحید قبادیان، فصلنامه معماری و فرهنگ، شماره دوم و سوم.
۱۸. لطفی، صدیقه، (۱۳۸۸)، مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه-ریزی شهری، مجله نگرش های نو در جغرافیای انسانی، ۸۰ - ۶۵.
۱۹. لینچ، کوین (۱۳۷۶)، تئوری شکل خوب شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۰. مهدیزاده، جواد (۱۳۸۵)؛ برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران)، معاونت معماری و شهرسازی، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
۲۱. مرصوصی، نفیسه، تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در شهر تهران، پایان نامه دوره دکتری جغرافیا گرایش برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۲.
۲۲. نجفی، سعید، احدنژاد، محسن؛ دویران، اسماعیل، ۱۳۹۴، ارزیابی کیفیت زندگی در سکونتگاه های غیررسمی شهرها موردشناسی: محله اسلام آباد شهر زنجان، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری - منطقه ای (۱۶)، ۹۰-۹۰.
۲۳. Amerigo, M., & Aragonés, J. I. (2007). *A theoretical and methodological approach to the study of residential satisfaction. Journal of Environmental Psychology, 17(1), 47-57.*
۲۴. Andrews, J. Clinton. (2001), *Analyzing Quality-of-Place, Environment and Planning B: Planning and Design, Vol. 28.*
۲۵. Balsas, J. L. Carlos. (2007), *Measuring the Livability of an Urban Centre: An Exploratory Study of Key Performance Indicators, Planning, Practice and Research, Vol. 19, No. 1.*
۲۶. Berger-Schmidt, R. (2002) *considering social cohesion in quality of life assessment: concept and measurement, Social Indicators research, Vol 58, pp 403.*
۲۷. Epley, R, Donald and Menon, Mohan. 2008, *A Method of Assembling Cross-sectional Indicators into a Community Quality of Life, Social Indicators Research, NO. 88.*
۲۸. Lee, Y.-J., 2008, *Subjective quality of life measurement in Taipei, Building and Environment, NO. 43(7).*
۲۹. McCrea, R., Shyy, TK. And stimson, R. (2006), *what is the strength of the link between objective and subjective indicators of urban quality of life? applied research in quality of life, 1(1):79-96.*
۳۰. McCrea, R., Shyy, T. K., & Stimson, R. (2006). *What is the strength of the link between object ive and subject ive indicators of urban quality of life? Applied research in quality of life, 1(1), 79-96.*
۳۱. Megone, C. (1990 And 2006). *The quality of life: Starting from Aristotle. In: Baldwin, S., Godfrey, C., Propper, C. (Eds.), Quality of Life: Perspectives and Policies. Biddles, London, pp. 28-41.*